

هرمزگان - عربی

4	1	الف) بعد از به جا آوردن نماز، ناگهان یکی از آنها فریاد زد. ب) یکی از شیشه های مواد شیمیایی شکست. ج) بعضی از مردم گمان می کنند که رنگ ها برای رنگ آمیزی هستند. د) دو رکعت نماز خواندم و ثوابش را به شما هدیه کردم.
0/5	2	الف) سفر علمی ما مفید بود. ب) ای خواهرانم، با صدای بلند نخندید.
0/5	3	الف) قَرَعَ = صَرَخَ ب) أَخَذَ ≠ إعطاء
0/5	4	الف) موزه ب) بیا
0/5	5	الف) نَجَاح، بقیه در مورد سوختن و آتش است. ب) مُسَجِّل، بقیه همه مکان هستند.
1	6	الف) يُفْعِلُ - (ص - ن - ع) ب) زنده - زده شده
0/5	7	الف) كَتَبُوا ب) تَقَبَّلَانِ
1	8	الف) إَجْلِسْنَ ب) إِرْحَمِ ج) إِنْزِلُوا د) أُكْتُبِي
1	9	الف) لَا تَلْبَسِي ب) لَا تَبْأَسُوا ج) لَا تَنْظُرَا د) لَا تَغْضَبِينَ
0/5	10	كانوا يُسَاعِدُونَ ← کمک می کردند ما صَدَقْتُ ← راست نگفت
1	11	الف) ننویس ب) بشنوید، گوش دهید ج) نمی توانی د) وارد خواهد شد
1	12	الف) المَدْرَسَةُ ← مضاف الیه صَغِيرًا ← صفت ب) خواهر بزرگم - کار خوب تو
0/5	13	الف) السَّاعَةُ سَابِعَةٌ وَ النِّصْفِ. ب) السَّاعَةُ ثَامِنَةٌ إِلَّا الرِّبْعَا.
0/5	14	الف) أَرْبَعَةُ حَافِلَةٍ فِي الْمَوْقِفِ. ب) يَلْعَبُ كُرَةَ الْقَدَمِ.
1	15	الف) مُهَدِّئَةٌ ب) الْبَيْتِ

	ج) إِحْتَرَقَ د) الْمُتَحَفُّ	
1	الف) الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ ب) كَانَ الْجَوُّ بَارِدًا قَلِيلًا ج) لَا د) قَبْلَ ثَلَاثِينَ سَنَةً	16
امیرحسام سپاهی – رتبه 28 کنکور تجربی 98 پزشکی علوم پزشکی تهران		